



زندگینامه استاد فقید دکتر هدایت غضنفری

فیروزه حاتمی *

* کارشناس بخش تحقیقات جنگل، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی ایران، تهران، ایران

◀ مهندس ابراهیمی رستاقی: «وی‌ول و مازودار شناسنامه زاگرس شمالی هستند و هدایت غضنفری شناسنامه وی‌ول و مازودار است.»

زندگی شخصی و تحصیلی دکتر هدایت غضنفری
هدایت غضنفری معروف به کاک‌هدایت (به زبان کردی) در آذر ۱۳۴۷ شمسی در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان خود را در تهران گذراند و تنها دو سال از دوران کودکی را به‌خاطر شغل پدر، که کارمند دارایی بود، به‌همراه خانواده در استان ایلام زندگی کرد. هدایت به‌عنوان تنها فرزند خانواده غضنفری در سال ۱۳۶۶ (ش) از دبیرستان البرز تهران دیپلم گرفت، در همان در کنکور سراسری شرکت کرد و در رشته جنگل‌داری دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران پذیرفته شد.

هدایت از ابتدا عاشق طبیعت و جنگل بود و به‌واسطه همین علاقه، از همان سال‌های اول ورود به دانشگاه، در جنگل خیرود نوشهر





دوران کودکی



تولد ۳ سالگی



تولد یک سالگی



هدایت غضنفری در سن ۱۲ سالگی



حضور هدایت غضنفری ۵ ساله در تولد یکی از دوستانش در شهر ایلام

سنجش از دور ایران شروع به کار کرد و پایان نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «بررسی کاربرد داده های ماهواره ای در طبقه بندی تپ های جنگلی در منطقه طرح های چوب و کاغذ مازندران» با راهنمایی آقای دکتر رأفت نیا به اتمام رساند. پس از فارغ التحصیلی در سال ۷۵ در مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان تهران مشغول به کار شد و روزگاری را در البرز مرکزی و مناطق شیرپلا، توچال، کلک چال، دارآباد، سیاه سنگ، پلنگ چال، پالون، گردون، سوتک آزاده و دماوند گذراند. البرز مرکزی زادگاه و زیستگاه آرمانی او بود و با علاقه بسیار در این محیط کار می کرد. هدایت در سال ۷۶ (ش) در مقطع دکترای رشته جنگل داری دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در ۱۱ اردیبهشت همان سال، در کمال سادگی با مریم مددی بانوی نمونه ای که عاشق او بود، ازدواج کرد. خانم مددی در آن زمان کارمند دانشگاه تهران بود. ثمره این ازدواج یگانه دخترشان غزال بود. غزال غضنفری

(جنگل آموزشی و پژوهشی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران) به عنوان کارگر مشغول به کار شد. در ابتدا به صورت داوطلبانه وارد جنگل خیرود شد و بعدها به عنوان قرق بان و ارمه موتورچی به کار خود ادامه داد. به قول خودش «ارمه موتورچی مش کامران بود و از او کار یاد می گرفت.» هدایت در آن سالها همراه با استادان گروه جنگل داری (آقایان دکتر ساریخانی، دکتر مجنونیان و دکتر نمیرانیان) به جنگل می رفت و به این کار خود افتخار می کرد. هدایت عاشق کار خود بود و در آن زمان همواره به دنبال این بود که جنگل خیرود را ساماندهی کند. بهره برداری و جاده سازی دروس مورد علاقه هدایت غضنفری در آن زمان بودند. پس از پایان دوره کارشناسی، به مدت دو سال (۷۱ تا ۷۳) (ش) به عنوان کارشناس مسئول جنگل خیرود مشغول به کار شد. مهندس هدایت غضنفری سال ۷۳ (ش) در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان پذیرفته شد. یک سال بعد در مرکز



دوران دانشجویی (کارشناسی)



دوران دانشجویی (کارشناسی)



اختیار اداره آموزش و پرورش بانه بود. پس از سالها تلاش و با مشکلات اداری فراوان و با دست خالی و مخالفت‌های بسیار، مدرسه دوباره در اختیار دانشگاه کردستان قرار گرفت و پس از کمی تجهیز، به‌عنوان مرکز پژوهش و توسعه جنگلداری زاگرس شمالی شروع به کار کرد. در این مرکز بود که ده‌ها دانشجو را عاشق جنگل‌های زاگرس و درختان آن کرد و جانشینان بعدی خود را پرورش داد. این مرکز محل مناسبی برای انجام عملیات درسی مختلف دانشجویان دانشگاه کردستان به‌ویژه دانشجویان رشته جنگلداری و اردوهای علمی دانشجویان سایر دانشگاه‌ها شد و با گسترش دامنه فعالیت آن، پروژه‌های تحقیقاتی مختلفی نیز با محوریت این مرکز اجرا شد.

هدایت غضنفری در ۱۴ اسفند ۱۳۸۲ (ش) از رساله دکترای خود دفاع کرد. در زمان دفاع، سالن مملو از دانشجویان، استادان و دوستانی بود که می‌خواستند ثمره تلاش او را ببینند. با اینکه تعدادی از استادان همواره با اصل کار او موافق نبودند، به‌خاطر خدمات ارزشمند او در جنگل‌های زاگرس شمالی، در این جلسه تقدیر بسیاری از او شد، طوری‌که زنده‌یاد استاد دکتر جزیره‌ای که داور رساله ایشان بودند، در این خصوص گفتند «محتوای نوشتار و رساله به قدری ارزشمند است که باید تبدیل به کتاب شود.»

هم‌اکنون دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته جغرافیا و گردشگری دانشگاه شهید بهشتی است.

هدایت از همان سال‌های نخست تحصیل در دوره دکتری، بورسیه دانشگاه کردستان شد. در ابتدا به‌صورت قراردادی و با دو روز تدریس در هفته به‌همراه دکتر مهدی پورهاشمی، دوست و یار صمیمی خود، هر هفته میان سنندج و تهران در رفت‌وآمد بود. از همان روزهای اول کار در کردستان، عاشق این منطقه و مردم کردزبان آنجا شد. این علاقه باعث شد، سال ۷۹ (ش) مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان تهران را ترک کند و پس از مدتی به‌عنوان عضو هیئت‌علمی گروه جنگلداری دانشگاه کردستان مشغول به کار شود.

دکتر غضنفری رساله دکتری خود را با هدف ارائه مدلی برای تنظیم و مدیریت جنگلداری سنتی در استان کردستان به راهنمایی دکتر نمیرانیان آغاز و برای انجام این مهم جنگل‌های زاگرس شمالی (شهرستان بانه) را انتخاب کرد و برای مدتی در روستای دورافتاده هواره‌خول ساکن شد. عشق و علاقه ایشان به جنگل‌های بانه و مردم این دیار سبب پیگیری موضوع بازپس‌گیری مدرسه متروکه‌ای در شهرستان بانه شد، این مدرسه جزو اموال سازمانی دانشگاه کردستان محسوب می‌شد، اما به‌دلیل عدم پیگیری، در



دکتر غضنفری در سال ۱۳۸۱ (ش) با شرکت در کارگاه آموزشی یک هفته‌ای با عنوان (The Forest Science/ Policy Interface in Europe, Africa and the Middle East) در کشور دانمارک و ارائه مقاله‌ای با عنوان (East ditional forest management and its application to encourage public participation for sustainable forest management in the northern Zagros mountains of Kurdistan Province, Iran) به همراه دکتر مهدی پورهایمی، سعی کرد، اهمیت جنگل‌داری سنتی را در زاگرس برای شرکت‌کنندگان در کارگاه بیان کند.

کاک‌هدایت عاشق زندگی، کار، جنگل و از همه مهم‌تر عاشق وطن بود. همواره سعی می‌کرد در لحظه زندگی کند. بسیار مطالعه می‌کرد، فوق‌العاده خاکی و بی‌ریا بود و همواره راستی و درستی بود و از کارها و فعالیت‌های خالصانه جانپداری می‌کرد. دکتر به واسطه علاقه خود به کار و سکونت به نسبت مداوم در روستای هواره‌خول، کمتر فرصت داشت به دیدار خانواده برود که در کرج ساکن بودند. همسر دکتر معتقد است، هدایت شخصیت خودساخته‌ای داشت و شبیه هیچکس نبود. لذت‌بخش‌ترین روزهای زندگی‌اش روزهایی بود که در مسیر رفت‌وآمد به کردستان می‌گذشت، زیرا او عاشق کار در جنگل‌های کردستان بود. هدایت دانشجویانش را مثل بچه‌هایش دوست داشت و همواره می‌گفت آنها امانت‌هایی هستند که خانواده‌هایشان آنها را به ما سپرده‌اند. هدایت آشنایی خوبی نیز داشت، املت‌های جنگلی خوشمزه‌ای می‌پخت و عاشق گوره‌ماست شمالی بود. به دانشجویان و دوستان خود طرز چیدن کوله و راه‌رفتن در جنگل را به گونه‌ای که خسته نشوند، آموخته بود و همواره حامی دانشجویانش بود. غزال نیز، که البته کمتر پدر را می‌دید، می‌گوید: «پدرم به گونه‌ای

عاشق کارش بود که جایی برای ناراحتی و کمبودهای ما وجود نداشت. کم بود ولی کم‌بودنش هم آنقدر خوب بود که انگار همیشه بود. عاشقانه کار می‌کرد، همیشه درگیر کار و برطرف کردن مشکلات مردم بود. هر وقت روز معلم را به او تبریک می‌گفتم، می‌گفت دیر گفتمی دخترجان، روز من روز کارگر است.»

متأسفانه روزگار این انسان بی‌همتا را تاب نیاورد، کاک‌هدایت از سال ۸۸ (ش) درگیر تومور مغزی شد. در همان سال‌های ابتدایی درمان خود را شروع کرد، با توجه به روحیه خوبی که داشت، تا حدودی بهبودی نسبی حاصل شد. همسر دکتر می‌گوید: «زمان بیماری دکتر تنها زمانی بود که هدایت خود واقعی‌اش نبود و با وجود سردردهای بسیار سعی می‌کرد همواره خود را خوب نشان دهد» پس از ۱۰ سال مبارزه با این بیماری و تحمل رنج فراوان، سرانجام در ۱۴ فروردین ۹۹ (ش) تمام خاطرات خوب خود با خانواده، دوستان، دانشجویان، جنگل‌نشینان و جنگل‌های زاگرس را ترک کرد و در آرامستان حصار کرج آرام گرفت. روحش شاد و یادش گرامی باد.

زندگی کاری

دکتر غضنفری معتقد بود، مهم‌ترین تحولی که در زندگی حرفه‌ای او اتفاق افتاده این بوده است که با تقریباً یک سال و نیم زندگی نیم‌بند در روستای هواره‌خول، دیگر جنگلبانی نبود که از بالا به پایین، یا از منظر یک دانش‌آموخته جنگل به جنگل و جنگل‌نشینان نگاه کند. در واقع، به واسطه آشنایی با الگوهای رفتاری و دانش بومی مردمان این منطقه در چرخش نظام معیشتی خانوارها با اتکا بر سامان عرفی جنگل‌نشینان، سامانی که جنگل در آن بالاترین سهم را داشت، با مردم این منطقه و زندگی آنها آشنا شد. دکتر هدایت



بازدید دانشجویان جنگل‌داری دانشگاه کردستان و تهران از جنگل‌های بانه، استان کردستان (۱۳۷۹)

ردیف پایین نشسته از راست، نفر دوم مرحوم دکتر هدایت غضنفری و در کنار ایشان آقای دکتر سبحانی



بازدید درسی دوره دکتری - ایستگاه تحقیقاتی سیراچال البرز (۱۳۷۷) از راست - آقایان دکتر جعفر حسین‌زاده، مرحوم دکتر ابراهیم عادل، دکتر شعبان شنتایی جویباری، مرحوم دکتر هدایت غضنفری



بازدید دانشجویان کارشناسی ارشد محیط‌زیست دانشگاه تهران از منطقه وارنگه رود البرز مرکزی (۱۳۷۸) (ش)
ردیف بالا نفر سوم از راست، مرحوم دکتر هدایت غضنفری



بازدید دانشجویان جنگل‌داری دانشگاه کردستان و تهران، دریاچه زریبار مریوان، استان کردستان (۱۳۷۹) (ش)
ردیف بالا نفر سوم از راست، مرحوم دکتر هدایت غضنفری



برگزاری عملیات درسی برای دانشجویان رشته جنگل‌داری و بازدید از جنگل

زمینه ارتباط با مردم محلی و روستاییان زاگرس منجر به ایجاد ارتباط نزدیک و صمیمانه‌ای با اهالی این منطقه شد. نتیجه این جلب اعتماد و مشارکت محلی، حفاظت و مدیریت جنگل‌های بلوط در این نواحی توسط مردم منطقه بود. آشنایی با فرهنگ و زبان مردم کرد طی این مدت، اجرای چندین طرح مدیریت مشارکتی کاربردی و موفق، دستاورد بی‌نظیری را در تاریخ مدیریت منابع طبیعی این منطقه به وجود آورد.

کاک‌هدایت درمورد گلازنی یا سرشاخه‌زنی درختان بلوط برای

غضنفری سال‌های زیادی از عمر خود را صرف پژوهش، تدریس و مدیریت جنگل‌های بلوط زاگرس کرد که دستاوردهای ملی و بین‌المللی شاخصی در حوزه جنگل‌داری سنتی و محلی و مدیریت مشارکتی جنگل به‌همراه داشت. به جرأت می‌توان گفت، ایشان بنیانگذار روش‌های جنگل‌داری اجتماعی در جنگل‌های زاگرس شمالی بود، آن‌هم در زمانی که در نظام آموزش عالی ایران، رشته جنگل‌داری محدود به جنگل‌های هیرکانی بود و صحبت خاصی از سایر جنگل‌های کشور در میان نبود. تلاش‌های دکتر غضنفری در



تأمین علوفه زمستانی دام‌ها می‌گفت: «این روش، الگویی است برای استفاده از جنگل توسط مردمان این منطقه که می‌تواند با تلفیق با دانش فنی، مستمر و پایدار باشد. فلسفه وجودی رشته جنگلداری استفاده درست از منابع جنگلی است. براساس قانون سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور برای حفاظت، احیا، توسعه و بهره‌برداری از جنگل‌ها به وجود آمده و وظیفه هر دانش‌آموخته جنگلداری این است که اگر مردمان این سرزمین در گوشه‌ای از این جنگل‌ها نیاز به برداشت محصول دارند، با ارائه طرح جنگلداری بتوانند نظم زمانی و مکانی در آن منطقه را به وجود آورند تا در چهارچوب آن بتوانند بدون تخریب جنگل از آن استفاده کنند. درواقع، جنگل هم مانند یک گله است، همان‌طور که در یک گله گوسفندها زایش دارند، در جنگل نیز زادآوری وجود دارد. اگر تعداد درختان قطع شده از تعداد نهال‌های وارد شده کمتر باشد، جنگل باقی می‌ماند. جنگل زنده است، رشد می‌کند، زادآوری می‌کند و می‌تواند خود را حفظ کند. الگویی که در گل‌زنی انجام می‌شود، یک دانش بومی است که در آن با نگاهی عمیق، یک گلاچار به سه، یا چهار شان‌گلا تقسیم می‌شود. این شان‌گلاها شاید سطحی برابر نداشته باشند، اما باخ‌های تولیدی آنها تقریباً برابرند. درواقع، اگر گل‌زنی درست و اصولی یا به قول کاک‌هدایت رک‌وپیک انجام شود، هیچ اشکالی ندارد و الگویی در استفاده از این سرمایه جنگلی و برای تأمین معیشت مردم این منطقه است.»

این توضیح لازم است که گل‌زنی یک روش جنگلداری سنتی با پیشینه‌ای چندصدساله است که توسط جنگل‌نشینان زاگرس شمالی برای بهره‌برداری از سرشاخه‌های برگ‌دار درختان بلوط با هدف تأمین علوفه برای دام‌ها انجام می‌شود. گل‌زنی مبتنی بر دانش بومی گذشتگان و نیاکان ماست و اگرچه در ظاهر ممکن است کاری ساده باشد، اما در عمل راه و روش ویژه‌ای دارد و یک سیستم تنظیم جنگل است که برای قرن‌های متمادی پایداری جنگل‌های بلوط را حفظ کرده است.

علاوه‌براین، دکتر غضنفری معتقد بود، مهم‌ترین دشمنان جنگل‌ها انسان‌هایی هستند که خود را حاکم این جنگل‌ها می‌دانند. جنگل یک اکوسیستم طبیعی است که بدون دخالت انسان در هر گوشه‌ای از این زیست‌کره که توان رویشگاهی داشته باشد، شکل می‌گیرد و براساس یک روال همیشگی تا زمانی که شرایط رویش تغییر چندانی نکند، درختان در این رویشگاه‌ها باقی می‌مانند و در ترکیب با یکدیگر جنگل را به وجود می‌آورند.

خاطرات دکتر از زبان اهالی روستای هواره‌خول و منطقه آرم‌رده (مطالب مورد استفاده در این قسمت براساس مستند تهیه شده توسط دانشگاه کردستان با عنوان "زندگی شادروان دکتر غضنفری در میان مردمان روستای هواره خول شهرستان بانه" بیان شده است که در غالب خاطرات اهالی از دکتر به رشته تحریر درآورده شده است)

دکتر غضنفری در میان مردم زاگرس شمالی و به‌ویژه شهرستان بانه از محبوبیت خاصی برخوردار بود و مردم برای او احترام ویژه‌ای قائل بودند. او به آنها آموخته بود که هم می‌توانند از جنگل بهره‌برداری کنند و هم در آن زندگی کنند. دکتر بسیار مهربان و دلسوز و همواره حامی آنها بود. مردم این منطقه هرگز خاطرات او را فراموش نمی‌کنند. اهالی منطقه می‌گویند، خیلی از مواقع دکتر با ماشین شخصی خودشان به روستای ما می‌آمد و برای انجام کارهای مختلفی مانند بیماری اعضای خانواده، یا مشکلات جرایم منابع طبیعی ما را به تهران می‌برد. همراه ما به دادگاه می‌آمد و در مواقعی که لازم بود، همیشه به ما کمک می‌کرد. وقتی قرار بود برای کاری به دادگاه برویم، همواره می‌گفت «کاری نداشته باشید، من جوابگو هستم و خودم حلش می‌کنم.» بسیاری از اهالی منطقه آرم‌رده خود را مدیون دکتر می‌دانند. آنها معتقدند او مثل معلمی بود که همیشه به آنها آموزش می‌داد. در مستندی که در همان سال‌های اول درگذشت ایشان تهیه شد، در گفت‌وگو با مردم منطقه برخی از صحبت‌های اهالی درخصوص نقش ایشان در زندگی اجتماعی مردم ارائه شد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. گفت‌وگو با مردم محلی اشک را در چشمان آنها سرازیر می‌کرد و بسیاری از آنها معتقدند که دکتر برادر بزرگ آنها بود.

یکی از اهالی:

دکتر دو بار به خانه ما آمده بود. یک‌بار که با یکی از مهندسان جهاد کشاورزی به خانه ما آمده بود، برای سرکشی وضعیت طویله به آنجا رفته بودیم. در همین حین متوجه صحبت همسرم با دکتر شدم که در حال گل‌زنی از این بود که آبگرمکن نداریم. پس از آن دکتر به من قول داد که با هزینه شخصی برای ما آبگرمکن بخرد، که آن موقع ۷ میلیون تومان بود. بعد از یک ماه با پول خودشان برای ما آبگرمکن خریدند و امروز آبگرمکن خانه ما یادگاری ایشان است.

یکی از اهالی:

من خودم ۵۰ سال سن دارم، اما واقعاً به‌درستی نمی‌دانستم چطور از درختان استفاده کنم. دکتر آمدند و روش صحیح گل‌زنی را به ما یاد دادند و مانع از قطع شدن درختان شدند. نشاط و شادابی درختان امروز را مدیون روش‌های صحیح دکتر هستیم که به ما یاد داد. دکتر به ما شیوه‌های صحیح نگهداری از درختان و برخورد با طبیعت را آموزش می‌داد. کاک‌هدایت برای جنگل، آب و خاک دلسوزی می‌کرد و نگهبان واقعی طبیعت بود. اندازه‌ای که او نگران طبیعت و جنگل بود، ما خودمان نگران نبودیم.

یکی از اهالی:

پسرم مریض بود و باید عمل ستون فقرات انجام می‌داد. از لحاظ مالی توانایی بردن او را برای مداوا به تهران نداشتیم. برای همین خیلی فکرم درگیر بود. دکتر که مرا دید گفت باقی چه شده؟ گفتم چیزی نیست دکتر، وقتی اصرار کرد من هم گفتم پسرم مریض است و باید او را برای شفا به تهران ببرم. بعد از مدتی دکتر همه کارهایش را انجام داد و الان پسرم یک بچه دارد و ناناوست. من تا وقتی

زنده‌ام او را فراموش نمی‌کنم.
یکی از اهالی:

روزی با کاک‌هدایت به سمت قله‌دوگا رفته بودیم. در آن نزدیکی درختان گردو و یک درخت گلابی وحشی بریده‌شده وجود داشت. کاک‌هدایت با دیدن درخت گلابی بریده خیلی گریه کرد، تا به حال ندیده بودم یکی برای درخت این‌گونه گریه کند و برای من بسیار جالب بود. همانجا گفت کاش به جای بریدن این درخت گردن من را می‌بریدند. این درخت و محصول آن بسیار ارزشمند است. کاک‌هدایت به ما یاد داده بود که اگر قرار است درختی را قطع کنیم، یا گلازنی انجام دهیم، آنرا درست و اصولی انجام دهیم.

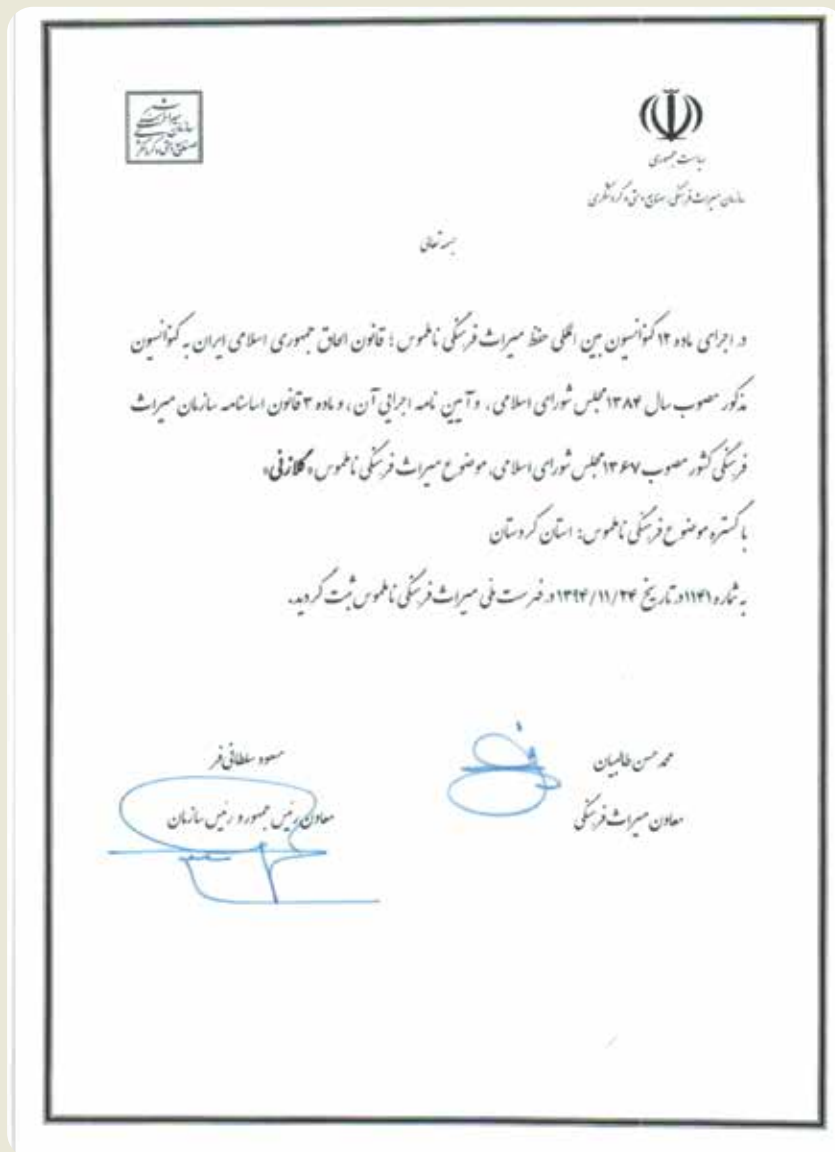
یکی از اهالی:

در بالای قله‌دوگا محل استراحتی بود که یک چشمه بسیار زیبا در آنجا وجود داشت. هر وقت می‌خواست استراحت کند، به آنجا

می‌رفت و چای درست می‌کرد. دکتر با همه اهالی روستا دوست بود، خیلی انسان بزرگی بود و طوری رفتار می‌کرد که انگار از اهالی همان روستاست. یک سال به ما گفته شد که نباید گلازنی کنید. از آنجایی که دکتر مثل نماینده ما بود و همیشه پیگیر کارهای روستا می‌شد، به ما گفت که گلازنی انجام دهید، حتی شب به خانه ما زنگ زد و گفت کاک‌علی نرفتی برای گلازنی؟ گفتم می‌ترسم جریمه شوم آقای دکتر و او گفت نگران نباشید اگر جریمه شدید من در تهران یک خانه دارم برای پرداخت جریمه شما می‌فروشم. دکتر برای ما و جنگل‌نشینان خیلی زحمت می‌کشید.

فعالیت‌های شاخص دکتر هدایت غضنفری

وقتی از دکتر غضنفری صحبت به میان می‌آید، از یک نگرش و بینش خاص صحبت می‌شود. تفکر منحصر به فردی که ایشان



با تلاش و پیگیری دکتر غضنفری، گلازنی به‌عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، روابط و فنون مدیریت سنتی جنگل به‌صورت رسمی و با عنوان میراث فرهنگی ناملموس به ثبت رسید.



حضور خانواده مرحوم دکتر هدایت غضنفری در باغ گیاه‌شناسی ملی ایران (بهار ۱۴۰۲)

علاوه بر ده‌ها مقاله علمی پژوهشی در بسیاری از مجلات داخلی و خارجی، ثبت و تدوین گلازنی به‌عنوان یک روش جنگلداری سنتی در UNDP، ثبت آن به‌عنوان میراث فرهنگی ناملموس ملی در فهرست آثار ملی کشور، وارد کردن بیش از ۲۰ واژه کردی در متون علمی جنگلداری و منابع طبیعی کشور و ادبیات فارسی و انگلیسی، تدوین و اجرای طرح مردمی ثبت و ترمیم جنگلداری سنتی جنگل‌های بلوط زاگرس شمالی (روستای هواره‌خول- کردستان) از جمله فعالیت‌های ارزشمند کاک‌هدایت در خدمت به فرهنگ این مرزوبوم است. الگوی جنگلی ارائه‌شده توسط دکتر غضنفری الگویی است که هم با زندگی و معیشت مردم محلی سازگار است و هم از نظر فنی پایداری جنگل را تضمین می‌کند، ولی متأسفانه به دلیل نبود همراهی و کوتاهی برخی مدیران اجرایی وقت فرصتی برای اجرای کامل آن فراهم نشد. دکتر غضنفری صدها دانشجوی زنده در زمینه جنگلداری و منابع طبیعی تربیت کرد و مقالات، طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌های ارزشمند زیادی از ایشان به یادگار

وارد عرصه جنگلبانی کرد، برای اولین بار ارزش واقعی جنگل را به‌صورت عملی به مردم نشان داد. اعتماد زخم‌خورده و ازدست‌رفته را دوباره به مردم برگرداند و باعث شد که خیلی از مردم این نواحی به وجود جنگلبانان افتخار کنند. تمام تلاش‌های این استاد نمونه و انسان شریف را باید به گونه‌ای قدردان بود که درخور تلاش انسان‌های والایی همانند ایشان باشد، وی نیمی از عمر حرفه‌ای خود را هم‌زمان که با بیماری دست و پنجه نرم می‌کرد، در حال فعالیت بود.

امروز مردم کردستان به‌ویژه جنگل‌نشینان و چه‌بسا درختان بلوط زاگرس با قلب‌های داغدار و چشمانی گریان و نگران در سوگ این انسان فداکار، استاد ارزشمند و مهربان هستند و انتظار دارند شاگردان ایشان، همکاران و دوستداران طبیعت راه ایشان را ادامه دهند. بدون تردید شخصیت بی‌نظیر و اقدامات ماندگار ایشان برای همیشه در یاد جنگلبانان، دانشجویان، همه دوستداران طبیعت این مرزوبوم به‌ویژه درختان بلوط جنگل‌های زاگرس به یادگار می‌ماند.

مانده است. دانشجویانی که امروزه برخی از آنها خود از اساتید و پژوهشگران برجسته کشور و مشغول تربیت نیروهای متخصص این سرزمین هستند، همگی حاصل سال‌ها تلاش این استاد بی‌ظنیر است.

فعالیت‌های علمی و پژوهشی دکتر هدایت غضنفری

۱- سوابق حرفه‌ای

• آبان‌ماه ۱۳۷۱ (ش) تا پایان شهریور ۱۳۷۳ (ش): کارشناس مسئول طرح جنگل‌داری در جنگل آموزشی - پژوهشی خیرود (دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران)

• تیرماه ۱۳۷۴ (ش) تا پایان همان سال: کارشناس جنگل در معاونت کاربرد مرکز سنجش از دور ایران

• همکاری با آقایان دکتر ساریخانی و دکتر نمیرانیان در اجرای عملیات تهیه پروژه راه‌های جنگلی و تهیه طرح جنگل‌داری طی سال‌های ۱۳۷۱ (ش) تا ۱۳۷۵ (ش)، جنگل آموزشی - پژوهشی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران (جنگل خیرودکنار نوشهر)

• ابتدای سال ۱۳۷۵ (ش) تا پایان ۱۳۷۸ (ش): کارشناس ارشد پژوهش در مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان تهران

• بهمن ۱۳۷۸ (ش) تا زمان فوت: عضو هیئت علمی گروه جنگل‌داری دانشگاه کردستان

• اردیبهشت ۱۳۸۳ (ش) تا مهر ۱۳۸۴ (ش): مدیر گروه جنگل‌داری / راه‌اندازی مرکز پژوهش و توسعه جنگل‌داری زاگرس شمالی

• آبان‌ماه ۱۳۸۴ (ش) تا زمان فوت: سرپرست مرکز پژوهش و توسعه جنگل‌داری زاگرس شمالی

۲- همکاری در طرح‌های پژوهشی

• همکاری در تهیه طرح مدیریت پارک جنگلی چیتگر، ۱۳۷۳ (ش)

• همکاری در تهیه دستورالعمل طراحی راه‌های جنگلی، دفتر معیارهای فنی سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴ (ش)

• همکاری در ارزیابی زیستگاه شوکا در منطقه بوزین و مره‌خیل، طرح بررسی گونه‌های نادر گیاهی و جانوری استان کرمانشاه، اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان کرمانشاه با همکاری دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ (ش)

• مجری طرح بررسی اکولوژی و فنولوژی توس در استان تهران، مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان تهران، ۱۳۷۷ (ش)

• همکاری در طرح بررسی رفتارهای روزانه پازن در منطقه حفاظت‌شده البرز مرکزی جنوبی، گروه محیط‌زیست دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ (ش)

• همکاری در طرح بررسی قطعات نمونه دائمی در توده‌های ارس البرز مرکزی، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، ۱۳۷۸ (ش)

• مجری پروژه تدوین، ثبت و ترمیم جنگل‌داری سنتی روستای هواره‌خول با همکاری انجمن دامون و حمایت برنامه کمک‌های کوچک تسهیلات جهانی محیط‌زیست / دفتر عمران سازمان ملل به شماره ثبت IRA-G52-2002-18 (IRA98G52)

• مجری پروژه تهیه طرح جنگل‌داری چندمنظوره با تأکید بر

ساماندهی و مدیریت گلازنی در حوزه آرمرده، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان کردستان / دانشگاه کردستان / مرکز پژوهش و توسعه جنگل‌داری زاگرس شمالی، ۱۳۸۴ (ش)

• همکاری در طرح پژوهشی ایجاد مدل مدیریتی برای بهبود ساختار جنگل‌های بلوط زاگرس، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹ (ش)

• همکاری در طرح بررسی ابعاد مناسب درختان بلوط وی‌ول برای جست‌دهی در مدیریت شاخه‌زاد ناهم‌سال در زاگرس شمالی، آرمرده، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵ (ش)

۳- مشاوره و راهنمایی تعداد زیادی پایان‌نامه کارشناسی و کارشناسی‌ارشد

۴- تألیف و همکاری در نگارش بیش از ۳۰ عنوان مقاله علمی

قردرانی

در ابتدا یادآور می‌شود که قسمتی از مطالب این نوشته برگرفته از مصاحبه خود دکتر غضنفری در انجمن پازین بانه، خبرگزاری ایسنا، موسسه شمیم جنگل ایران و مستندی است که توسط دانشگاه کردستان بعد از فوت ایشان تهیه شد.

با امید اینکه بتوانیم به‌عنوان دانشجویان دکتر ادامه‌دهنده راه ایشان باشیم، بر خود لازم میدانم از زحمات همسر و دختر مهربان ایشان، مطالب مفیدی که توسط دانشگاه کردستان و دانشکده منابع طبیعی این دانشگاه برای بیان زحمات دکتر غضنفری در سایت‌های مختلف به چاپ رسیده، جناب آقایان دکتر وحید اعتماد، مهدی پورهاشمی، احمد ولیپور (شاگرد و یار همیشگی ایشان) و خانم دکتر پریسا پناهی برای جمع‌آوری مطالب این زندگینامه تشکر کنم.